

قاعدہ نفی اختلال نظام

در گسترہ حقوق خصوصی اسلام

مؤلفان:

الہام شجاعی

دکتر محمد علی حور سنیان

انتشارات گسترش رایانہ

سرشناسه	: شرعی، الهام، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: قاعده نفی اختلال نظام در گستره حقوق خصوصی اسلام / مؤلف الهام شرعی؛ زیر نظر محمدعلی خورسندیان.
مشخصات نشر	: تهران: گسترش رایانه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۱ص.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال: 978-964-2957-24-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قاعده نفی اختلال نظام
موضوع	: فقه - قواعد
شناسه افزوده	: خورسندیان، محمدعلی
رده بندی کنگره	: ۵۲/۱۶۹۳۳ ۱۳۹۴ ۴ش ۶۷ن /
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۹۹۳۷۶

■ قاعده نفی اختلال نظام در گستره حقوق خصوصی اسلام

- ♦ مؤلفان: الهام شرعی - محمدعلی خورسندیان.
- ♦ ناشر: گسترش رایانه
- ♦ چاپ اول: ۱۳۹۵
- ♦ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- ♦ چاپ و صحافی: زیتون
- ♦ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- ♦ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷-۰
- ♦ طراحی و صفحه‌آرایی: گسترش رایانه
- ♦ کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ می‌باشد

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
	بخش اول
	معارف، ماهیت و مقایسه قاعده نفی اختلال نظام
۲۱	فصل اول: مفهوم قاعده
۲۱	مبحث اول - معانی لغوی
۲۱	گفتار اول - اختلال
۲۲	گفتار دوم - نظام
۲۲	مبحث دوم - معانی اصطلاحی
۲۳	گفتار اول - حفظ نظام اسلام و نفی امور منحل کننده آن
۲۵	گفتار دوم - حفظ نظام و سرزمین اسلامی
۲۶	گفتار سوم - حفظ نظام حکومتی اسلامی
۲۷	گفتار چهارم - حفظ نظام زندگی و معیشت مردم
۲۹	گفتار پنجم - رابطه معانی اصطلاحی با یکدیگر
۳۰	مبحث سوم - مفهوم عنوان قاعده «نفی اختلال نظام»
۳۳	فصل دوم: ماهیت قاعده نفی اختلال نظام
۳۳	مبحث اول - قاعده فقهی اصطیادی
۳۳	گفتار اول - تعریف قاعده فقهی
۳۴	گفتار دوم - ملاک تمیز قاعده فقهی و قاعده اصولی

- گفتار سوم - دلایل فقهی بودن قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۳۶
- بند چهارم - منصوص یا اصطیادی بودن «قاعده نفی اختلال نظام»..... ۳۷
- مبحث دوم - اولیه یا ثانویه بودن..... ۳۸
- گفتار اول - تعریف حکم اولیه و ثانویه و ملاک تمایز..... ۳۹
- گفتار دوم - بیان نظریات و دلایل ثانوی بودن قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۴۰
- مبحث سوم - حکومتی بودن..... ۴۲
- گفتار اول - تعریف فقه حکومتی..... ۴۲
- گفتار دوم - مقایسه فقه حکومتی با سایر مفاهیم همگون..... ۴۳
- گفتار سوم - اصل حکومتی بودن قاعده نفی اختلال نظام..... ۴۵
- فصل سوم: مقایسه قاعده نفی اختلال نظام با سایر قواعد..... ۴۷
- مبحث اول - قاعده «عسر و حرج»..... ۴۷
- گفتار اول - مضمون مدارک قاعده..... ۴۷
- گفتار دوم - مفهوم لغوی عسر و حرج..... ۴۹
- گفتار سوم - مقایسه قاعده «عسر و حرج» و قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۵۱
- مبحث دوم - قاعده «مصلحت»..... ۵۸
- گفتار اول - مضمون قاعده «مصلحت»..... ۵۸
- گفتار دوم - مفهوم لغوی مصلحت..... ۶۰
- گفتار سوم - مقایسه قاعده «مصلحت» و قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۶۱
- مبحث سوم - قاعده «نفی ضرر»..... ۶۳
- گفتار اول - مضمون قاعده «نفی ضرر»..... ۶۳
- گفتار دوم - معنای لغوی ضرر و ضرار..... ۶۵
- گفتار سوم - مقایسه قاعده «نفی ضرر» (با تکیه بر نظر امام خمینی (ره)) و قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۶۵

بخش دوم:

مبانی، شرایط و آثار قاعده نفی اختلال نظام

- فصل اول: مبانی قاعده «نفی اختلال نظام»..... ۷۳
- مبحث اول - دلیل عقلی..... ۷۳

گفتار اول - اقسام دلیل عقلی.....	۷۴
گفتار دوم - مستقلات عقلیه و قاعده « نفی اختلال نظام ».....	۷۵
گفتار سوم - طریقه ی لطف و قاعده « نفی اختلال نظام ».....	۷۷
مبحث دوم - روایات.....	۷۹
گفتار اول - روایت فضل بن شاذان.....	۷۹
گفتار دوم - روایت حفص بن غیاث.....	۸۱
مبحث سوم - بنای عقلاء.....	۸۲
گفتار اول - تعریف بنای عقلا و امکان حجیت آن.....	۸۳
گفتار دوم - بنای عقلا در نفی اختلال نظام.....	۸۴
گفتار سوم - دلیل موافقت شارع با بنای عقلا در « نفی اختلال نظام ».....	۸۴
بند اول - احکام قضایی.....	۸۴
الف - تعریف احکام قضایی.....	۸۵
ب - احکام امضای و نفی اختلال نظام.....	۸۶
بند دوم - قانون گذاری تدریجی.....	۸۷
الف - قانون گذاری تدریجی در ایران.....	۸۸
ب - قانون گذاری تدریجی و برده داری.....	۹۲
ج - احکام تدریجی و نفی اختلال نظام.....	۹۳
مبحث چهارم - ضرورت شرعی (مقصد شریعت).....	۹۴
گفتار اول - تبیین مفهوم مقاصد شریعت.....	۹۵
گفتار دوم - مقاصد شریعت در فقه شیعه.....	۹۷
گفتار سوم - طرق شناخت و اثبات مقاصد شریعت.....	۱۰۰
گفتار چهارم - حجیت و اعتبار مقاصد شرعی.....	۱۰۱
گفتار پنجم - نفی اختلال نظام و مقصد شریعت.....	۱۰۳
بند اول - کشف مقصد شرعی نفی اختلال نظام.....	۱۰۴
الف - لزوم تشکیل حکومت اسلامی.....	۱۰۴
ب - تشویق مردم به چنگ زدن به ریسمان الهی.....	۱۰۵
ج - وجود احکام حکومتی.....	۱۰۶

- د - ولایت حاکم بر ممتنع..... ۱۰۸
- بند دوم - عمومیت یا اختصاص مقصد شرعی « نفی اختلال نظام »..... ۱۱۰
- بند سوم - حجیت داشتن مقصد شرعی نفی اختلال نظام..... ۱۱۰
- فصل دوم: شرایط اعمال قاعده نفی اختلال نظام..... ۱۱۳
- مبحث اول - عام بودن نظام..... ۱۱۳
- مبحث دوم - عدم تعارض با مصالح اقوا..... ۱۱۵
- مبحث سوم - عمل به قدر نیاز در زمان محدود..... ۱۱۷
- گفتار چهارم : اعمال توسط فرد آشنا به مذاق شریعت..... ۱۱۹
- فصل سوم: اثنا، قاعد «نفی اختلال نظام»..... ۱۲۳
- مبحث اول - ابطال قاعده «قاعده نفی اختلال نظام» با سایر احکام..... ۱۲۳
- گفتار اول - افساه روابط بین ادله احکام..... ۱۲۴
- بند اول - تعارض..... ۱۲۴
- بند دوم - تراحم..... ۱۲۵
- بند سوم - تخصص..... ۱۲۶
- بند چهارم - تخصیص..... ۱۲۶
- بند پنجم - حکومت..... ۱۲۷
- بند ششم - ورود..... ۱۳۱
- بند هفتم - نسخ..... ۱۳۲
- گفتار دوم - حکومت قاعده « نفی اختلال نظام» بر ادله سایر احکام..... ۱۳۳
- گفتار سوم - نحوه حکومت قاعده « نفی اختلال نظام »..... ۱۳۷
- بند اول - اقسام حکومت..... ۱۳۷
- الف - حکومت با مدلول مطابقی و حکومت با مدلول التزامی..... ۱۳۷
- ب - حکومت تفسیری و حکومت تنزیلی..... ۱۳۸
- بند دوم - حکومت تنزیلی تضییقی قاعده « نفی اختلال نظام»..... ۱۴۰
- مبحث دوم - اثبات حکم وضعی توسط قاعده نفی اختلال نظام..... ۱۴۲
- گفتار اول - نظریه واضعیت..... ۱۴۲
- گفتار دوم - نظریه رافعیت..... ۱۴۲

گفتار سوم - نتیجه گیری.....	۱۴۳
بند اول - حکم حکومتی.....	۱۴۳
بند دوم - جهت نامشروع در معاملات.....	۱۴۳
بند سوم - قاعده نقض غرض.....	۱۴۴
مبحث سوم - تعارض دو اختلال نظام.....	۱۴۵
گفتار اول - اگر اختلال در یک بعد از ایجاد نظام باشد.....	۱۴۶
گفتار دوم - اختلال ها در ابعاد مختلف نظام باشد.....	۱۴۶

بخش سوم:

کاربردهای قاعده نفی اختلال نظام

فصل اول: کاربرد قاعده در فقه و اصول.....	۱۵۱
مبحث اول - کاربردهای قاعده نفی اختلال نظام در متون فقهی.....	۱۵۱
گفتار اول - اعدای حقوق.....	۱۵۱
بند اول - وکالت و تدبیر قی وکیل.....	۱۵۱
بند دوم - شرط فعل و التزام به افعال به آن.....	۱۵۴
بند سوم - استیفاء حق مالی و لزوم رجوع به حاکم.....	۱۵۹
بند چهارم - جواز اخذ اجرت بر واجبات نظامیه.....	۱۶۳
گفتار دوم - قواعد فقهی.....	۱۶۸
بند اول - قاعده قرعه.....	۱۶۸
بند دوم - قاعده سوق مسلمین.....	۱۷۲
بند سوم - قاعده ید.....	۱۷۵
بند چهارم - قاعده صحت عمل دیگران.....	۱۷۸
گفتار سوم - قضاوت و دادرسی.....	۱۸۱
بند اول - قضاوت و اعمال مجازات.....	۱۸۱
بند دوم - انتصاب و انزال قاضی.....	۱۸۲
بند سوم - دادرسی.....	۱۸۴
بند اول - نحوه رسیدگی به دعاوی.....	۱۸۴
بند دوم - شهادت، دلیل مثبت دعوا.....	۱۸۵

- بند سوم - ادعای اعسار..... ۱۸۸
- گفتار چهارم - اجتهاد و تقلید..... ۱۸۹
- گفتار پنجم - لزوم رعایت قوانین ومقررات عمومی..... ۱۹۲
- مبحث دوم - کاربرد قاعده نفی اختلال نظام در اصول فقه..... ۱۹۳
- گفتار اول - امارات..... ۱۹۳
- گفتار دوم - اصل استصحاب..... ۱۹۵
- بند سوم - اصل احتیاط..... ۱۹۶
- فصل دوم - کاربردهای قاعده «نفی اختلال نظام» در حقوق خصوصی..... ۱۹۹
- مبحث اول - نظام سوم..... ۱۹۹
- گفتار اول - پیشینه مفهوم نظم عمومی..... ۲۰۰
- گفتار دوم - مفهوم نظم عمومی..... ۲۰۰
- بند اول - نظم عمومی در حقوق داخلی ایران..... ۲۰۲
- بند دوم - نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی..... ۲۰۳
- بند سوم - مفهوم نظم عمومی در حقوق سایر کشورها..... ۲۰۳
- گفتار سوم - ویژگی های نظم عمومی..... ۲۰۴
- بند اول - نسبت مفهوم نظم عمومی..... ۲۰۴
- بند دوم - رعایت مصلحت عموم افراد..... ۲۰۵
- گفتار چهارم - اقسام نظم عمومی..... ۲۰۵
- بند اول - از نظر منبع..... ۲۰۵
- الف - نظم عمومی مذکور در قوانین..... ۲۰۶
- ب - نظم عمومی که براساس اصول حقوقی توسط دادرس ایجاد می گردد..... ۲۰۶
- بند دوم - از نظر قلمرو و طبیعت..... ۲۰۶
- الف - نظم عمومی سیاسی..... ۲۰۶
- ب - نظم عمومی اقتصادی..... ۲۰۷
- ۱ - نظم عمومی حمایت کننده..... ۲۰۸
- ۲ - نظم عمومی هدایت کننده «ارشادی»..... ۲۰۹

گفتار پنجم - اثر نظم عمومی.....	۲۰۹
بند اول - بطلان قراردادهای مخالف نظم عمومی.....	۲۱۰
بند دوم - امکان یا عدم امکان اقامه دعوی استرداد عوض و مطالبه خسارت.....	۲۱۳
گفتار ششم - رابطه نظم عمومی و قاعده نفی اختلال نظام.....	۲۱۶
مبحث دوم - بازاریابی شبکه ای.....	۲۱۹
گفتار اول - مفاهیم بازار و بازاریابی.....	۲۱۹
بند اول - مفهوم بازاریابی.....	۲۲۰
بند دوم - مفهوم بازار یابی شبکه ای و اقسام آن.....	۲۲۰
بند اول - بازاریابی شبکه ای سالم.....	۲۲۱
بند دوم - بازاریابی شبکه ای ناسالم.....	۲۲۱
گفتار دوم - تاثیر قراردادی بازاریابی در اختلال نظام.....	۲۲۱
مبحث سوم - شرط عدم مسئولیت.....	۲۲۳
گفتار اول - مفهوم شرط عدم مسئولیت.....	۲۲۴
گفتار دوم - بررسی اعتبار شرایط مسئولیت.....	۲۲۶
بند اول - دلایل قائلین به بطلان شرط عدم مسئولیت.....	۲۲۶
الف - اسقاط مالیم یجب.....	۲۲۶
ب - نظم عمومی.....	۲۲۷
بند دوم - ادله قائلین به صحت شرط عدم مسئولیت.....	۲۲۸
الف - اصل آزادی اراده.....	۲۲۸
ب - امکان اسقاط حق به وسیله زیان دیده (قاعده تسلیف).....	۲۲۹
ج - نتیجه گیری.....	۲۳۰
گفتار سوم - بطلان شرط عدم مسئولیت در تقصیر عمدی و «نفی اختلال نظام».....	۲۳۱
بند اول - تقصیر عمدی.....	۲۳۲
بند دوم - تقصیر سنگین (در حکم عمد).....	۲۳۳
مبحث چهارم - شبهه سازی انسان.....	۲۳۵

- ۲۳۵..... گفتار اول - مفهوم شبیه سازی (کلونینگ)
- ۲۳۶..... گفتار دوم - کاربردهای شبیه سازی انسان
- ۲۳۷..... گفتار سوم - شبیه سازی در فقه و حقوق شیعه
- ۲۳۷..... بند اول - دیدگاه موافقان و قائلین به حریت شبیه سازی
- ۲۳۷..... بند دوم - دیدگاه مخالفان و قائلین به حرمت اولیه شبیه سازی
- بند سوم - دیدگاه مخالفان و قائلین به حرمت ثانوی شبیه سازی با تکیه بر
- ۲۳۸..... قاعده نفی اختلال نظام
- ۲۳۹..... الف - شبیه سازی و اختلال نسب خانوادگی
- ۲۳۹..... ب - شبیه سازی و اختلال در تشکیل نظام خانواده
- ۲۴۰..... مبحث چهارم - مباحث فقهی مالکیت معنوی نرم افزار
- ۲۴۱..... گفتار اول - تعریف مالکیت معنوی نرم افزار
- گفتار دوم - اعتبار مالکیت معنوی نرم افزار با تکیه بر قاعده " نفی اختلال نظام
- ۲۴۱.....
- ۲۴۵..... نتیجه گیری
- ۲۴۹..... کتابنامه
- ۲۴۹..... منابع عربی
- ۲۵۶..... منابع فارسی
- ۲۶۰..... مقالات

مقدمه

انسان به حسب طبیعت خویش موجودی اجتماعی است و به همین دلیل همواره زندگی جمعی را بر زندگی فردی ترجیح داده و به تشکیل اجتماعات و جوامع در همه زمان‌ها همت گمارده است. از آن بایی که دین مبین اسلام، به عنوان آخرین ارمغان خداوند بر بشریت، کامل‌ترین دین به شمار می‌رود، لذاست که نه تنها به خواست‌های فردی افراد بشریت توجه دارد که در کنار آن از نیازهای اجتماعی آن‌ها نیز مغفول نمانده است و همواره سعی در وضع مقرراتی دارد که در سایه رعایت آن‌ها نیاز اجتماعی بشر تامین گردد.

همچنین هر نظام اجتماعی، خود متشکل از نظامات مختلفی است که مجموعه آن نظامات، نظام عام و کلی اجتماع را شکل خواهد داد. لیکن تاثیر بسیاری از مقررات وضع شده در این نظامات به نظام عام و کلی اجتماعی برمی‌گردد. از این رو می‌توان یک مقصد خاص را در چنین مقرراتی شناخت و آن حفظ نظام اجتماعی و نفی هر امری است که نظام زندگی اجتماعی بشر را مردود سازد. به عبارت دیگر مهم‌ترین هدف و رویکرد شارع حکیم در سطح اجتماع، حفظ نظام اجتماع بشری است و این رویکرد سبب شده که در نظاماتی که جامعه

را شکل می‌دهند به قانون گذاری بپردازد چراکه در سایه حفظ و تنظیم هر یک از نظامات اجتماعی نهایتاً جامعه بشری حفظ می‌گردد.

توجه به این رویکرد شارع، سبب طرح یکی از قواعد بسیار مهم و بنیادین فقهی، تحت عنوان قاعده نفی اختلال نظام شده است. قطعاً طرح این قاعده همانند بسیاری از قواعد فقهی دیگر در گام نخست و به عنوان اصلی‌ترین هدف، محتاج شدخت دقیق آن خواهد بود. از این روست که هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا امکان طرح قاعده فقهی نفی اختلال نظام وجود دارد؟ و در صورت امکان، طرح، مفهوم قاعده چیست؟ بعلاوه سئوالات فرعی پژوهش بدین شرح است:

۱- آیا قاعده، قاعده‌ای عقلی است؟ چگونه می‌توان به اثبات عقلی بودن قاعده پرداخت؟

۲- آیا عرف عقلاً مدرک قاعده خواهد بود؟

۳- آیا می‌توان گفت، ضرورت شرعی یا روح قوانین شرعی مثبت قاعده است؟

۴- رابطه قاعده با برخی قواعد مشابه چگانه است؟

۵- چه شرایطی در اعمال قاعده می‌بایست رعایت گردد؟

۶- رابطه قاعده با احکام اولیه چگونه است؟

۷- آیا قاعده نفی اختلال نظام شأن جعل حکم دارد؟

۸- موارد استناد به قاعده در متون فقهی و اصولی کجاست؟

۹- جایگاه اعمال قاعده در حقوق خصوصی به چه ترتیب است؟

۱۰- آیا قاعده فقهی نفی اختلال نظام را می‌توان همان مفهوم نظم عمومی در حقوق خصوصی دانست؟

از آن جایی که قاعده نفی اختلال نظام یکی از قواعد بنیادین و مقبول عقل و عقلا است، در بسیاری از ابواب فقه می‌توان تمسک فقها به این قاعده را در

استدلالات مختلف ایشان یافت. این در حالی است که مطرح شدن این مفهوم به عنوان قاعده‌ای مستقل در غالب موارد مورد عنایت نبوده است. به موجب بررسی‌های به عمل آمده، تنها علی اکبر سیفی مازندرانی در کتاب مبانی الفقه الفعال فی قواعد الفقهیه الاساسیه جلد ۱ ص ۱۱ پس از بیان مفهوم قاعده نفی اختلال نظام و عقلی بودن آن، همچنین به فقهی بودن و یکی از شرایط اعمال قاعده و تطبیقات قاعده در کلام فقها پرداخته است. لیکن با توجه به حجم ۱۶ صفحه‌ای طالب عنوان شده توسط وی، بروشنی می‌توان به جامع و مانع نبودن بیانات ایشان پیر برد چرا که مطالبی چون ماهیت قاعده، چگونگی اثبات عقلی بودن قاعده، آثار و محدوده عملکرد قاعده از امور بسیار اساسی است که در بیانات ایشان مغفول مانده است. به همین دلیل نمی‌تواند در شناخت و استفاده درست از قاعده کارساز باشد. هرچند که طرح مفهوم نفی اختلال نظام از سوی ایشان به عنوان قاعده فقهی، امری در خود ستایش است که نباید از ارزش آن چشم پوشید.

همچنین در بهار سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول» توسط برخی از اساتید منتشر گردید. در مقاله عنوان شده به معرفی مفاهیم مختلف نظام و کاربردهای حفظ نظام و نفی اختلال در آن بسنده شده است. از این رو در مقاله عنوان شده نیز هیچ‌یک از مفاهیم قاعده به عنوان قاعده مستقل که محتاج بیان شرایط، مبانی، ماهیت، آثار و ... می‌شد مورد عنایت قرار نگرفته است. در مورد کاربردهای عنوان شده توسط نویسنده آن مقاله مورد بحث نیز به برخی از کاربردهای فقهی قاعده مورد بحث توجه نشده است، که در این پژوهش سعی در بیان آن موارد و حتی کاربردهای حقوقی و تطبیق مفهوم قاعده با مفهوم نظم عمومی در حقوق نیز گردیده است.

در هر حال تمسک و استدلال بسیاری از فقها به مفهوم قاعده امری است که قابل چشم پوشی نمی‌باشد به عنوان مثال یکی از مهم ترین دلایل فقها و از جمله

مرحوم شیخ انصاری و برخی از محشین کلام وی بر امکان اخذ اجرت در واجبات، تمسک به این قاعده است. ایشان در کتاب مکاسب جلد ۲ ص ۱۳۸ بیان می‌دارد: منع از اجرت در صناعاتی که برای برپا داشتن نظام واجب است، موجب اختلال نظام می‌گردد. همچنین این عالم گران قدر در کتاب فرائد الاصول خویش مبنای اصالت الصحه و اماره ید را توجه به نفی اختلال نظام دانسته و بیان داشته: «...از جمله ادله ثبات اصل صحت دلیل عقل است به این توضیح که عقل مستقل حکم می‌کند بر این که اگر بنابر اصل صحت در معاملات نباشد نظام معاد و معاش مردم مختل می‌شود تا جایی که اختلال نظام حاصل از ترک عمل به این قاعده صحت زیادتر از اختلال حاصل از ترک عمل به قاعده ید است...» و در ادامه نیز روایتی ذکر گردیده که به موجب آن اختلال نظام اقتصادی و بازار مسلمین مردود شناخته شده، «امام به حنفی بن نیاث بعد از حکم به این که ید دلیل مالکیت است فرمود، شهادت بر ملک به موجب ید جایز است که اگر این طور نباشد برای مسلمانان بازاری (سوقی) نمی‌ماند این روایت با فحواوی خود به اعتبار اصالت صحت در اعمال مسلمین نیز دلالت می‌کند مضافاً این که ظاهر الفاظ روایت بر آن است که اگر بنابر این امور - یعنی قبول اصل صحت و اماره ید نباشد - اختلال نظام لازم آید و این امر حقی است زیرا اختلال نظام، طالی است و هر چه مستلزم و لازمه باطل باشد خود نیز باطل می‌باشد پس نقیض آن - صحت است از این طریق اصالت صحت در هنگام شک به اثبات می‌رسد.» و موارد فرار از دایره ید که توسط فقها در کاربردهای قاعده ذکر گردیده (در فصل سوم این پژوهش به طور مبسوط به شرح آن پرداخته شده است) این کاربردها خود دلیل بر آن است که در نظر فقها مفهوم این قاعده چنان بدیهی است که محتاج تفسیر دیگری نبوده و حال آنکه هر امر بدیهی نیز جهت شناخت و کاربرد صحیح محتاج بررسی است.

در این پژوهش تلاش گردیده ضمن بیان مفهوم قاعده، ماهیت قاعده نیز شناسانده گردد و مبانی و جهات شرعی و عقلی مثبت قاعده بروشنی تبیین گردد

و با عنایت به سایر قواعد، محدوده عملکرد و آثار قاعده بیان شود. بنابراین روش استفاده شده در این پژوهش مراجعه مستقیم به کتب مختلف فقهی و جمع آوری مطالب به شیوه کتابخانه ای است.

مطالب این پژوهش در سه بخش اصلی بیان شده است. فصل بخش اول که شامل سه فصل می باشد، در فصل اول به بیان مفاهیم لغوی و اصطلاحی و در فصل دوم به ماهیت قاعده و فصل سوم به مقایسه قاعده با برخی قواعد مشابه پرداخته شده است. بخش دوم این پژوهش که خود مرکب از سه فصل است، در فصل اول به بیان مبانی قاعده و در فصل دوم شرایط اعمال قاعده و در فصل سوم به آثار قاعده می اختصاص یافته است. بخش سوم تحقیق در دو فصل به بیان کاربردهای فقهی قاعده در فصل اول و کاربردهای حقوقی در فصل دوم اشاره دارد.

این پژوهش با استدلال های جدیدی که در بیان و طرح قاعده نفی اختلال نظام داشته، گام جدیدی در شناخت قاعده بسیار مهم نفی اختلال نظام برداشته که قطعا از ایرادات خالی نیست و امید است در شناخت هر چه دقیق تر مفاهیم حقوق اسلامی مورد عنایت واقع گردد.

در انتها از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی اصغر حاتمی و دکتر علی رضا فروغی که با راهنمایی های خویش در تدوین این اثر کمک های فراوانی نمودند تشکر می نمایم.

الهام شراعی

دکتر محمد علی خورسندیان